

## تحلیل ژانر ادبی و علمی زبان ترکی آذری بر اساس استعاره اندیشگانی هلیدی

معصومه پورنظمی سیس<sup>۱</sup>، مسعود ذوقی<sup>۲</sup>، نادر اسدی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان شناسی، گروه زبان انگلیسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

۲. دانشیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

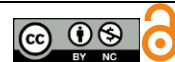
۳. استادیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: masoud.zoghi@iau.ac.ir

### چکیده

یکی از مفاهیم مطرح در دستور نقش گرای نظام مند هلیدی، استعاره دستوری است. هلیدی سه نوع استعاره دستوری -اندیشگانی، بینافردی و متنی- را معرفی کرده است. در این راستا، هدف از این تحقیق، بررسی میزان و شیوه کاربرد انواع استعاره دستوری در متون ادبی و علمی از بعد اندیشگانی به زبان آذری می‌باشد. بدین منظور و برای تحلیل ژانر علمی کتابی با عنوان «دیل و دیلچیلیک» نوشته علی داشقین و برای ژانر ادبی مقالات منتخب از مجله «آنا وارلیق» برای نمونه انتخاب و تجزیه و تحلیل شده اند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین میزان کاربرد استعاره ی دستوری اندیشگانی در دو ژانر علمی و ادبی مشاهده نشد، بعلاوه، نتایج حاصله از بررسی مولفه‌ها نشان داد که تفاوت معنی داری بین میزان کاربرد استعاره دستوری اسم سازی و گذرائی در دو ژانر علمی و ادبی مشاهده نشد. با توجه به نتایج حاصله می‌توان اینگونه نتیجه گیری کرد که استفاده از استعاره‌های دستوری به یک میزان در غنی سازی و شفافیت ارائه مفاهیم در متون علمی و ادبی زبان آذری کاربرد دارند. بنابراین تحقیق فعلی با ارائه شواهد کافی از دو متن تلاش دارد تا استعاره دستوری را به عنوان یک شاخص برای بررسی و درک متون علمی و متون ادبی معرفی کند.

کلیدواژگان: استعاره دستوری، استعاره اندیشگانی، اسم سازی، گذرائی



شیوه استناددهی: پورنظمی سیس، معصومه، ذوقی، مسعود، و اسدی، نادر. (۱۴۰۳). تحلیل ژانر ادبی و علمی زبان ترکی آذری بر اساس استعاره اندیشگانی هلیدی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۳)، ۱۸-۳۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۸ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۱ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۹ مهر ۱۴۰۳

## The Treasury of Persian Language and Literature

### Analysis of Literary and Scientific Genres in Azerbaijani Turkish Based on Halliday's Grammatical Metaphor

Masoumeh Pournazim Sis<sup>1</sup>, Masoud Zoghi<sup>2\*</sup>, Nader Assadi<sup>3</sup>

1. PhD Student in Linguistics, Department of English, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

2. Associate Professor of English Language Teaching, Department of English, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

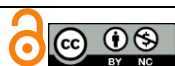
3. Assistant Professor of English Language Teaching, Department of English, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

\*Corresponding Author's Email: masoud.zoghi@iau.ac.ir

#### Abstract

One of the key concepts in Halliday's Systemic Functional Grammar is *grammatical metaphor*. Halliday introduced three types of grammatical metaphor: ideational, interpersonal, and textual. In this regard, the objective of this study is to examine the extent and manner of the application of different types of grammatical metaphor in literary and scientific texts in Azerbaijani Turkish from an ideational perspective. To achieve this goal, and for the analysis of the scientific genre, the book *Dil ve Dilçilik* by Ali Dashqin was selected, while for the literary genre, selected articles from the journal *Ana Varlıq* were analyzed. The results indicate that no significant difference was observed in the frequency of ideational grammatical metaphor between the two genres. Additionally, the analysis of components demonstrated no significant difference in the frequency of nominalization and transitivity grammatical metaphors between scientific and literary genres. Based on these findings, it can be concluded that grammatical metaphors equally contribute to the enrichment and clarity of concept presentation in both scientific and literary texts in Azerbaijani Turkish. Therefore, the present study, by providing sufficient evidence from both texts, aims to introduce grammatical metaphor as a criterion for examining and understanding scientific and literary texts.

**Keywords:** *grammatical metaphor, ideational metaphor, nominalization, transitivity*



**How to cite:** Pournazim Sis, M., Zoghi, M., & Assadi, N. (2024). Analysis of Literary and Scientific Genres in Azerbaijani Turkish Based on Halliday's Grammatical Metaphor. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(3), 18-30.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 21 August 2024

Revise Date: 9 September 2024

Accept Date: 22 September 2024

Publish Date: 1 October 2024

## مقدمه

یکی از ابزار موثر در نوشتار آکادمیک استعاره دستوری می‌باشد. طبق گفته‌های هلیدی<sup>۱</sup>، استعاره دستوری زمانی روی می‌دهد که ایده‌های مطرح شده در قالب یک ساختار دستوری (مانند فعل) با یک قالب دستوری دیگر (مانند اسم) مطرح شود. استعاره دستوری که در متون اداری، آکادمیک و علمی نمود فراوان تری دارد یکی از بخش‌های مهم زبان‌شناسی نظام مند نقش گرا<sup>۲</sup> می‌باشد. زبان نقش گرا یک نظریه مهم در زبان‌شناسی می‌باشد و دستور نظام مند، یکی از زیر مجموعه‌های زبان‌شناسی نقش گرا است که توسط هلیدی مطرح شده است. وی جهت کاربردی کردن آن، نظریه "دستور نظام مند نقش گرا" را مطرح کرده است. این نظریه بر مفهوم کاربرد زبان تمرکز دارد و مفهوم اساسی در این نظریه تحلیل از لحاظ بررسی زبان به عنوان مجموعه‌ای از قوانین برای تشخیص ساختارهای دستوری می‌باشد که متفاوت تر از دیدگاه سنتی تحلیل کلام می‌باشد که تنها بر دستور تمرکز داشت نه معنا و تبادل بین دستور و معنا.

زبان بشری در هر قلمروی از کاربردهای خود صورت ویژه‌ای به خود می‌گیرد و یک گونه زبانی در کاربرد خود در قلمرو زندگی بر حسب شکل زندگی و روابط گوناگون بشری صورت‌هایی از واژگان و روابط معنایی و نحوی را به کار می‌گیرد و از سایر گونه‌ها متمایز می‌شود؛ گونه زبان علم و ادب نیز میان واژگان تخصصی، اصطلاحات، نحو و ویژگی‌های گفتمانی زبان علم از آن جمله‌اند؛ از دیدگاه علم، زبان بهترین وسیله شناخت، تفهیم و تفاهم محسوب می‌شود؛ تولیدات علمی در قالب زبان بیان می‌شوند. علم و دانش با زبان خلق شده و در آن تبلور می‌یابد. نگارنده بر آن است که پژوهشی بر اساس دستور نقش گرای نظام مند هلیدی در زمینه بررسی ژانر علمی و ادبی زبان ترکی آذری به قابلیت‌های

زبان ترکی آذری در دو پیکره مجله *آنا وارلیقی* و کتاب *دیل و دیلیچیلیک* انجام دهد.

## بیان مساله

استعاره یکی از مفاهیم شناخته‌شده در زبان است که ریشه‌های آن به زمان ارسطو در یونان باستان برمی‌گردد. ارسطو برای اولین بار این مفهوم را در آثار خود مانند "فنون شاعری" و "در باب فصاحت و بلاغت" معرفی کرد. او استعاره را به عنوان کلمه‌ای تعریف می‌کند که در معنایی متفاوت از معنای اصلی خود به کار می‌رود، که این امر به انتقال معنی اشاره دارد. هدف اصلی استعاره تقویت تأثیر بلاغی و افزایش وضوح و زیبایی بیان است (1).

بر اساس نظر هلیدی، استعاره دستوری به معنای جایگزینی یک ساختار دستوری با ساختار دستوری دیگر است (4-2). در این تعریف، انتقالی که صورت می‌گیرد، انتقال معنایی نیست، بلکه انتقالی دستوری است. دستور نقش‌گرای نظام‌مند یک نظریه زبانی است که زبان را از جنبه نقش و عملکرد آن در زندگی انسان بررسی می‌کند. سؤال اصلی در این نظریه این است که چرا و چگونه انسان‌ها از طریق زبان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. هلیدی در این دستور، نقش‌های زبان را از منظر سه فرانش تعبیر کرده است: فرانش اندیشگانی، فرانش بینافردی و فرانش متنی. در دستور نقش‌گرای نظام مند، هدف اصلی زبان، انتقال معنا، تلقی می‌شود. برای تبادل معنا است که انسان‌ها از زبان استفاده می‌کنند و از طریق زبان آنچه را که در جهان درون و بیرون آن‌ها می‌گذرد، بیان می‌کنند.

زبان مسئول رمزگذاری و رمزگشایی تجربیات علمی و انتقال اطلاعات بین ذهن افراد و واقعیت‌های خارجی است. تنوع زبانی ناشی از کاربردهای مختلف زبان، در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند به عنوان یک سبک معتبر شناخته می‌شود. گفتمان علمی نوعی زبان است که دارای اصطلاحات تخصصی و ساختار

1. Halliday

2. Systemic Functional Grammar

دستوری خاص خود می‌باشد (3). به اعتقاد هلیدی (۲۰۰۴)، "استعاره دستوری" در شکل‌گیری گفتمان علمی و استدلال برای نظریه‌های علمی بسیار مهم هستند. در این میان استعاره دستوری اندیشگانی و مفاهیم مربوط به "اسم‌سازی" فرآیندهای اصلی در ایجاد استعاره دستوری محسوب می‌شوند که در نهایت پایه‌گذار تمامی اصطلاحات فنی می‌باشند و در توسعه زبان فنی نقش دارند (2).

تحقیقات متعددی در مورد کاربرد استعاره دستوری در متون علمی و ادبی انجام شده است. این مطالعات نشان‌دهنده اهمیت استعاره‌های دستوری در شکل‌گیری و تحلیل گفتمان‌های علمی و ادبی هستند رضایپور (۱۳۹۴) به بررسی استعاره دستوری در گفتمان سیاسی روزنامه‌های داخلی پرداخته است. در این مطالعه، کارکردهای اصلی استعاره دستوری شامل اسم‌سازی و وجهیت در گفتمان سیاسی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند (5). حکم آبادی (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی استعاره دستوری در کتاب‌های داستان و شعر برای کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی گروه سنی الف و د) پرداخته است (6).

طبق مطالعاتی که تا کنون در این زمینه صورت گرفته است استعاره دستوری از اهمیت خاصی در تکامل نوشته‌های ادبی و علمی برخوردار است. لذا، این پژوهش برآن است تا با استفاده از روش‌های دستور نظام مند نقش گرای هلیدی با ساختار دستوری خاص به عنوان استعاره دستوری، به بررسی این مسئله بپردازد که آیا در متون علمی و ادبی زبان ترکی آذری نیز استعاره دستوری اندیشگانی دارای اهمیت می‌باشد. بررسی مطالعات پیشین حاکی از این واقعیت است که تاکنون پژوهش جامع و کاملی پیرامون بررسی متون ادبی و علمی زبان ترکی آذری در مورد شناسایی و تحلیل انواع استعاره‌های دستوری صورت نگرفته است. در این پژوهش به بررسی تطبیقی استعاره دستوری اندیشگانی و مفاهیم اسم‌سازی و گذرایی در ژانر ادبی و علمی زبان ترکی آذری

می‌پردازیم و آن‌ها را از منظر استعاره‌های دستوری نقش گرای نظام مند هلیدی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در این تحقیق، نویسندگان قصد دارند با بررسی مجموعه‌ای از متون علمی و ادبی به زبان ترکی، کاربرد استعاره دستوری را به عنوان یک عنصر کلیدی در حوزه‌های علمی و ادبی زبان ترکی آذری نشان دهند. در دهه‌های اخیر، پژوهش‌ها و مقالات فراوانی در زمینه استعاره و کارکردهای آن در زبان‌شناسی زبان‌های دیگر منتشر شده است، اما تا آنجا که پژوهشگران اطلاع دارند، در زبان ترکی آذری چنین بررسی‌هایی انجام نشده و این کمبود در دنیای زبان‌شناسی به وضوح احساس می‌شود. بنابراین، انجام این پژوهش ضروری است و نتایج آن از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. به عبارت دیگر، یافته‌های این تحقیق می‌تواند در درک معنایی متون علمی و ادبی مؤثر باشد. زبانی که متخصصان در مجلات و برنامه‌های علمی برای حفظ اعتبار علمی خود استفاده می‌کنند، زبانی تخصصی و فنی است که ممکن است برای عموم مردم قابل فهم نباشد. نتایج این تحقیق می‌تواند به تسهیل فهم متون علمی و ادبی و درک کاربرد ساختارهای زبانی مناسب کمک کند. به طور کلی، این پژوهش می‌تواند برای دانشجویان و پژوهشگران رشته زبان‌شناسی، محققان حوزه مطالعات زبانی و گویش‌شناسی، و همچنین انجمن‌های زبان‌شناسی ایران و انجمن‌های ترویج زبان ترکی مفید باشد.

با توجه به پژوهش‌های مختلفی که در پیشینه مطالعات پژوهش معرفی گردید مشخص شد که تا کنون پژوهش جامع و کاملی در حوزه بررسی استعاره‌های دستوری از منظر زبان‌شناسی نقش گرای هلیدی در زبان ترکی کمتر صورت گرفته است و کافی نیست. بر این اساس این پژوهش جدید بوده و دارای نوآوری می‌باشد. استفاده از ساختار نقش گرای نظام مند هلیدی در ساختار زبان ترکی آذری موجب می‌شود تا درک معنا راحت تر و سریع تر شود. استفاده از استعاره دستوری در درک معنا و محتوای متون علمی و

## چهارچوب نظری

دستور زبان نقش‌گرای نظام‌بنیاد مدلی از دستور زبان است که توسط مایکل هیلیدی در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافته و شامل سه نوع استعاره دستوری است: اندیشگانی، بینافردی و متنی. طرح استعاره دستوری به عنوان گامی مهم در پیشرفت و گسترش زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند شناخته می‌شود. این دستور زبان استعاره را به عنوان تنوع‌هایی در بیان معنا تعریف می‌کند و نه تنها به تنوعات در کاربرد واژه‌ها، تفاوت در پیام نوعی تنوع معنایی است که هیلیدی (۱۹۹۳) آن را استعاره دستوری نامیده است. همچنین، هیلیدی (۱۹۹۳) اشاره می‌کند که استعاره دستوری نقش مهمی در انتقال معانی بلاغی ایفا می‌کند. با پذیرش این ادعا، می‌توان دریافت که عنصر دیگری به نام استعاره دستوری وجود دارد که تنوع آن اساساً در شکل‌های دستوری نهفته است، هرچند که این عنصر همچنین تضمین‌کننده تنوع واژگانی نیز می‌باشد (3).

استعاره دستوری اندیشگانی، منبعی قوی برای خلق متن و ایجاد الگوهای جدید بین سطوح مختلف اطلاعات متنی و اندیشگانی است. این نوع استعاره در سنین نوجوانی یاد گرفته می‌شود و به نوعی با زبان آموزش و پرورش، مکاتبات اداری و متون علمی مرتبط است. کودکان از اواخر دوره دبستان به تدریج با استعاره اندیشگانی آشنا می‌شوند و در دوره آموزش متوسطه در متون تخصصی مختلف به خوبی در درک و استفاده از آن مهارت پیدا می‌کنند (4). همچنین، استعاره دستوری اندیشگانی به عنوان یکی از انواع استعاره‌های دستوری بر نقش زبان در بازنمایی و شکل‌دهی به واقعیت تمرکز دارد (4).

اسم‌سازی منبعی قوی برای تولید استعاره‌های دستوری است. با استفاده از این ابزار، فرایندها (افعال) و ویژگی‌ها (صفات) به‌طور استعاری به اسم تبدیل می‌شوند و در «بند» به جای فرآیند یا صفات، به عنوان شیء و گروه اسمی عمل می‌کنند (2). کارکردهای اصلی استعاره اسم‌سازی شامل موارد زیر است:

ادبی می‌توان به رفع پیچیدگی دستوری و معنایی انواع متون کمک کند. هدف اصلی از این تحقیق بررسی استعاره دستوری اندیشگانی در متون علمی و ادبی زبان ترکی آذربایجانی می‌باشد.

نگارندگان برای تحلیل داده‌های خود و تدوین پژوهش حاضر در پی آن هستند تا در نتایج حاصله از این پژوهش به این پرسش جواب مناسبی ارائه دهد.

سوال اول: بر اساس دیدگاه نقش‌گرای هیلیدی استعاره دستوری در بعد اندیشگانی (اسم‌سازی و گذرائی) در ژانر علمی و ادبی زبان ترکی آذری تا چه حد کاربرد دارند؟

با توجه به سوال مطرح شده فرضیه زیر طراحی شده است: فرضیه اول: بر اساس دیدگاه نقش‌گرای هیلیدی، میزان کاربرد استعاره دستوری در بعد اندیشگانی در ژانرهای علمی و ادبی زبان ترکی آذری متفاوت است.

## پیشینه پژوهش

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از رویکردهای اصلی در زبان‌شناسی نظری است که در آن نقش و معنا به‌طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرند. این رویکرد به انواع و زیرمجموعه‌های مختلفی مانند دستور پیدایشی، دستور نقش و ارجاع و دستور نظام‌مند تقسیم می‌شود. دستور نظام‌مند تحت تأثیر سنت نقش‌گرایی اروپا و زبان‌شناسان مکتب لندن، به ویژه جی. آر. فرث، در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ شکل گرفته است. دستاوردهای یلمزلف (۱۹۶۵-۱۸۹۹) و مکتب پراگ، خاصه آرای متسیوس (۱۹۴۵-۱۸۸۲) که به بار خبری و اطلاعاتی ساخت جملات، از قبیل مفاهیم مبتدا و خبر معتقد است (پهلوان نژاد و وزیر نژاد، ۱۳۸۸، ص. ۵۲). الگوهای دستور زبان نقش‌گرا به عنوان یکی از رویکردهای تحلیل نحو زبان، توسط زبان‌شناسان مختلف مطرح و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این نظریه به بافت زبان، معنا و کاربرد آن اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و زبان‌شناسانی چون گیون (۱۹۷۹م)، هریس (۱۹۹۲-۱۹۰۹) و هیلیدی به تبیین مبانی الگوهای آن پرداخته‌اند (1-6).

برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها، نمایان‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها، پنهان‌سازی ایدئولوژی‌ها و مخفی کردن پیام، ایجاد انسجام و پیوستگی معنایی، متراکم‌سازی اطلاعات که به پیچیدگی پیام منجر می‌شود، تخصصی‌تر کردن متون سیاسی که در نتیجه آن مخاطبان محدودتری را هدف قرار می‌دهد، تغییر توزیع آغازگر و پایان‌بخش و همچنین اطلاع‌کهنه و نو و برجسته کردن عناصر در بند (5). به اعتقاد هلیدی (۲۰۰۴)، استعاره اسم‌سازی یکی از ویژگی‌های اصلی در سطح واژگان-دستور است که در زبان دانشگاهی به کار می‌رود. استعاره دستوری و اسم‌سازی در شکل‌گیری گفتمان علمی و استدلال‌پردازی برای نظریه‌های علمی اهمیت زیادی دارند (2).

استعاره دستوری، بسط طبیعی انعطاف‌پذیری و نقش‌های چند گانه‌ی زبان است و تحلیل‌گذاری، قاعده کلی را برای تشخیص استعاره دستوری فراهم می‌سازد. استعاره دستوری‌گذاری یکی از انواع استعاره اندیشگانی است که نوع فرایند در صورت نامتجانس تغییر می‌کند. استعاره دستوری‌گذاری با تغییر نوع فرایند (فعل) همراه است و معمولاً در صورت متجانس (بی‌نشان) از یک نوع فرایند و در صورت نامتجانس (استعاری) از فرایندهای متفاوت بکار می‌رود. استعاره‌گذاری حاصل تغییر فرایندها در یک بند است و ممکن است فرایندهای متفاوتی در یک بند به کار روند که در حقیقت بازنمایی‌های متفاوتی از معنا را خواهیم داشت و این بازنمایی‌های استعاری مترادف و همانند نیستند؛ بلکه رمزگذاری‌های متفاوت هستند که معنای کلی بند را دگرگون می‌سازند. اما با وجود این، آن‌ها مجموعه‌ای از گونه‌های استعاری معنای اندیشگانی هستند (3).

### روش تحقیق

### پیکره زبانی

از آنجا که یافتن متن علمی در زبان ترکی آذری امری دشوار در سیر جمع‌آوری داده‌های تحقیق حاضر بود و تنها کتاب متناسب

با روش تحقیق کتاب "دیل و دیلچیلیک" بود، لذا تعداد صفحات و بندهای این کتاب ملاک اصلی در تعیین حجم آماری داده‌ها برای تحلیل متون ادبی قرار گرفته است. به عبارتی، حجم آماری جهت بررسی متن ادبی متنطبق با حجم متون علمی در نظر گرفته شده است. برای این منظور، پیکره زبانی این تحقیق را بخش ژانر ادبی، مجله "آنا وارلیق" و کتاب "دیل و دیلچیلیک" برای ژانر علمی تشکیل می‌دهد. آنا وارلیق فصلنامه ادبی، هنری، فرهنگی و تاریخی است. نمونه این پژوهش مجموعه ۱۰ جلدی سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ می‌باشد. تمرکز اصلی این فصلنامه بر زبان و لهجه‌های ترکی در جهان، ایران و آذربایجان؛ بررسی تاریخ، ادبیات و فرهنگ ترکی؛ تنظیم سیاست زبانی و تقویت زبان معیار ترکی در ایران می‌باشد. کتاب کتاب دیل و دیلچیلیک توسط علی داشقین در سال ۱۳۸۸ نگاشته شده است که محتوای اصلی آن زبان شناسی عمومی می‌باشد.

### روش اجرای پژوهش

انجام پژوهش در این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوا است. برای نیل به اهداف پژوهش کلیه متون ژانر ادبی و علمی مربوط به مقالاتی از مجله آنا وارلیق و کتاب دیل و دیلچیلیک با استفاده از رویکرد هلیدی (۲۰۱۴) بررسی و تحلیل شدند. ابتدا با مراجعه مستقیم به متون علمی و سپس ادبی، استعاره اندیشگانی مورد بررسی قرار گرفت و استعاره‌های بکاررفته در متون ژانرها توصیف شده و با تکیه بر رویکرد انتخاب شده تحلیل شدند. در این پژوهش، استعاره‌های بکاررفته در متون ادبی و علمی، مقایسه گردید.

ابتدا استعاره‌های دستوری اندیشگانی (اسم‌سازی و گذرایی) بکار رفته در هر دو ژانر بررسی گردید و در جدول‌های جداگانه نشان داده شد و تعداد شمار هر استعاره ذکر گردید و میزان کاربرد هر یک از آن‌ها در هر یک از ژانرها مشخص گردید. در مرحله دوم، برای اعتبار سنجی داده‌ها کلیه داده‌های استخراج شده در اختیار

استاد راهنما قرار گرفت تا داده‌های تحلیل شده را بررسی نماید. در مرحله سوم، داده‌های تحلیل شده بوسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نمودارها و جدول‌های هر یک از استعاره‌های ژانرها ترسیم گردید و سپس به مقایسه استعاره‌ها پرداخته شد. واحد تحلیل در استعاره «بند» بود و تک تک بندهای هر صفحه مورد شمارش قرار گرفت که شمار آن‌ها در جدول آورده شده است.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

از آنجا که در دستور نقش گرای نظام‌مند نقطه کانونی بند در نظر گرفته شده است، واحد تجزیه و تحلیل در این پژوهش همانند کارهای مشابهی که در زبان‌های دیگر انجام شده است، بند می‌باشد. تعداد تمامی بندها و استعاره‌های دستوری هر دو ژانر شمارش شد و با در نظر گرفتن تعداد بندهای هر متن به عنوان کل، درصد استعاره‌های دستوری هر متن محاسبه شد. در ادامه با استفاده از روش‌های آماری و آزمون خی دو داده‌های بدست آمده شمارش گردید و بسامد و فراوانی کاربرد استعاره دستوری در متون منتخب مشخص شده و سپس داده‌های بدست آمده در قالب جداول و نمودارهای فراوانی ترسیم شد.

به منظور پی بردن به حداکثر پایداری تحقیق داده‌های تحقیق با روش مطالعه تحلیل محتوا از شیوه باز آزمایی بهره‌گیری شد و پیکره زبانی دوباره با فاصله زمانی یک ماه بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها و بدون در نظر گرفتن نتایج اولیه، مورد تحلیل قرار گرفت و بیش از ۹۰ درصد تشابه تحلیل یافته‌ها مشاهده شد.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

سوال اول: بر اساس دیدگاه نقش گرای هلیدی استعاره دستوری در بعد اندیشگانی (اسم‌سازی و گذرائی) در ژانر علمی و ادبی زبان ترکی آذری تا چه حد کاربرد دارند؟

بر اساس اطلاعات جدول ۱ مشاهده می‌شود طبق دیدگاه نقش گرای هلیدی در بعد اندیشگانی ژانر علمی، از بین ۸۵۴ بند موجود، در ۵۴۵ بند (۶۴٪) استعاره دستوری بکار گرفته شده‌اند که شامل ۴۷۱ بند (۵۵٪) اسم‌سازی و ۷۴ بند (۹٪) گذرائی می‌باشند. در ۳۰۹ بند (۳۶٪) نیز استعاره دستوری اندیشگانی کاربردی نداشته‌اند؛ در بعد اندیشگانی ژانر ادبی، از بین ۸۵۵ بند موجود، در ۲۱۲ بند (۲۵٪) استعاره دستوری بکار گرفته شده‌اند که شامل ۱۹۴ بند (۲۳٪) اسم‌سازی و ۱۸ بند (۲٪) گذرائی می‌باشند. در ۶۴۳ بند (۷۵٪) نیز استعاره دستوری اندیشگانی کاربردی نداشته‌اند.

جدول ۱. میزان کاربرد استعاره دستوری اندیشگانی بر اساس دیدگاه نقش گرای هلیدی در ژانر علمی و ادبی

| نوع ژانر | گزینه‌ها             | تعداد           | درصد |
|----------|----------------------|-----------------|------|
| متن علمی | (اسم‌گذاری / گذرایی) | کاربرد اسم‌سازی | ۴۷۱  |
|          |                      | کاربرد گذرایی   | ۷۴   |
|          |                      | جمع کاربرد      | ۵۴۵  |
|          |                      | عدم کاربرد      | ۳۰۹  |
|          | جمع کل               | ۸۵۴             | ۱۰۰  |
| متن ادبی | (اسم‌گذاری / گذرایی) | کاربرد اسم‌سازی | ۱۹۴  |
|          |                      | کاربرد گذرایی   | ۱۸   |
|          |                      | جمع کاربرد      | ۲۱۲  |
|          |                      | عدم کاربرد      | ۶۴۳  |
|          | جمع کل               | ۸۵۵             | ۱۰۰  |

فرضیه اول: بر اساس دیدگاه نقش گرای هیلیدی، میزان کاربرد استعاره دستوری در بعد اندیشگانی در ژانرهای علمی و ادبی زبان ترکی آذری متفاوت است.

طبق آزمون کای اسکوار ( $\chi^2$ ) انجام گرفته و مطابق جدول ۲ جهت بررسی تفاوت کاربرد استعاره دستوری در ژانرهای علمی و ادبی، مشاهده می‌شود میزان کاربرد استعاره اسم سازی در ژانر علمی

۴۷۱ بند (۸۶/۴٪) و در ژانر ادبی ۱۹۴ بند (۹۱/۵٪) بوده است؛ همچنین میزان کاربرد استعاره گذرانی در ژانر علمی ۷۴ بند (۱۳/۶٪) و در ژانر ادبی ۱۸ بند (۸/۵٪) بوده است و بر اساس اطلاعات جدول ۳، تفاوت معنی داری بین میزان کاربرد استعاره دستوری اسم سازی و گذرانی در دو ژانر علمی و ادبی مشاهده نشد ( $\chi^2 = 3/23, p > 0/05$ ).

جدول ۲. توزیع فراوانی تفاوت کاربرد استعاره دستوری اندیشگانی در ژانرهای علمی و ادبی

| متغیرها           | نوع ژانر | جمع کل |      |
|-------------------|----------|--------|------|
|                   |          | ادبی   | علمی |
| استعاره اندیشگانی | اسم سازی | تعداد  | ۴۷۱  |
|                   | اسم سازی | درصد   | ۸۶/۴ |
|                   | گذرانی   | تعداد  | ۷۴   |
|                   | گذرانی   | درصد   | ۱۳/۶ |
| جمع کل            |          | تعداد  | ۵۴۵  |
|                   |          | درصد   | ۱۰۰  |

جدول ۳. نتایج آزمون خی دو تک متغیره

|      |          |
|------|----------|
| ۳/۲۳ | $\chi^2$ |
| ۱    | df       |
| ۰/۰۷ | P        |

## نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در متون علمی و ادبی، استعاره‌های دستوری به عنوان ابزاری برای ایجاد معانی جدید و انتقال مفاهیم به کار می‌روند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت این نوع استعاره‌ها در هر دو حوزه است و به نظر می‌رسد که نویسندگان در هر دو ژانر از آن‌ها به طور مشابه استفاده می‌کنند. در تکامل نوشته‌های علمی استفاده از استعاره دستوری اهمیت خاصی دارد و یک ویژگی شاخص زبان نوشتار محسوب می‌شود که متن را شفاف تر و گویاتر می‌نماید. به عبارت دیگر، استعاره دستوری به عنوان یک شاخص سبکی برای متون علمی عمل می‌نماید و می‌تواند متمایزکننده این گفتمان از سایر گفتمان‌ها باشد.

نتایج بررسی‌های صورت گرفته در ژانر علمی و ادبی زبان ترکی حاکی از این امر است که استعاره‌های دستوری بویژه اسم سازی (از نوع اندیشگانی) در مقایسه با سایر استعاره‌ها کاربرد و بسامد بیشتری داشته‌اند. در تبیین این نتیجه می‌توان اظهار داشت که استعاره‌های دستوری در ایجاد انسجام معنایی نقش مهمی دارد و موجب می‌شود تا متون از نظر سیر معنایی پیوسته باشد. استعاره اسم سازی باعث می‌شود تا مجموعه از لغات در قالب یک کلمه ولی سرشار از معنا خلاصه شود. این امر در زبان ترکی امری بسیار رایج می‌باشد. بدین منظور که یک اسم می‌تواند مفاهیم گسترده‌ای از یک فرایند را در برگیرد و این مورد در متون علمی بازتاب گسترده‌ای دارد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و همچنین نتایج حاصل از تحقیقات بدست آمده‌ی محققان می‌توان

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

چنین تبیین کرد که برای درک بهتر عناصر لغوی و دستوری در زبان آذری، توجه به نقش انواع استعاره‌های دستوری در فرآیند نگارش و درک انواع متون به عنوان یک الزام در زبانشناسی می‌باشد.

### EXTENDED ABSTRACT

Grammatical metaphor, as introduced by Halliday within the framework of Systemic Functional Grammar, represents a fundamental departure from traditional linguistic structures, offering alternative ways to encode meaning through grammatical choices rather than lexical substitutions. Halliday classifies grammatical metaphor into three types: ideational, interpersonal, and textual, with ideational grammatical metaphor being the most relevant for academic and literary discourse (2). The present study explores the application of ideational grammatical metaphor in scientific and literary genres of Azerbaijani Turkish, focusing on nominalization and transitivity. The research examines selected articles from the literary journal *Ana Varlıq* and the book *Dil ve Dilçilik* by Ali Dashqin as representatives of the two genres. While grammatical metaphor is often considered a defining characteristic of scientific texts, the study aims to determine whether literary texts also exhibit significant usage of these structures. Previous research suggests that nominalization is prevalent in scientific discourse due to its capacity for compacting information and establishing objectivity (3, 6). However, the extent to which

this feature is utilized in literary texts remains unclear. Given the centrality of grammatical metaphor in structuring meaning and facilitating communication, its role in both genres is analyzed quantitatively and qualitatively to establish whether distinct patterns emerge between them. The research question guiding this study is whether ideational grammatical metaphors, particularly nominalization and transitivity, are more frequently employed in scientific discourse than in literary texts, and whether this difference is statistically significant.

To investigate the presence and frequency of grammatical metaphor in Azerbaijani Turkish, this study adopts a comparative corpus analysis approach. The selection of texts ensures comparability in length and thematic scope, providing a balanced dataset for analysis. The methodology follows the systemic functional framework, categorizing instances of grammatical metaphor based on their functional roles in the discourse. The analysis considers both explicit and implicit instances of nominalization and transitivity shifts, coding them according to established linguistic criteria (2). The study also employs a mixed-methods approach, combining quantitative frequency analysis with qualitative

textual examination to assess the functional impact of grammatical metaphor in each genre. In the first phase, all instances of grammatical metaphor are manually identified, counted, and classified. In the second phase, statistical methods, including chi-square tests, are applied to determine whether observed differences are significant. This combination of methods allows for a nuanced understanding of how grammatical metaphor operates in Azerbaijani Turkish across different registers. Given the established role of nominalization in scientific discourse, it is hypothesized that scientific texts will exhibit a significantly higher frequency of grammatical metaphor than literary texts. However, the possibility that literary texts also rely on grammatical metaphor to achieve stylistic and rhetorical effects is considered.

The findings reveal that, contrary to conventional assumptions, the difference in the use of grammatical metaphor between scientific and literary texts is not statistically significant ( $p > 0.05$ ). In scientific texts, grammatical metaphor accounts for approximately 64% of all clauses, with nominalization comprising 55% and transitivity shifts 9%. In literary texts, grammatical metaphor is observed in 25% of clauses, with nominalization occurring in 23% and transitivity shifts in 2%. While scientific discourse indeed demonstrates a higher frequency of grammatical metaphor, particularly nominalization, literary texts also employ these structures to a notable extent.

This suggests that grammatical metaphor is not exclusive to scientific writing but serves a broader linguistic function across genres. One possible explanation for this finding is that literary texts, particularly analytical and expository forms within the genre, utilize grammatical metaphor to convey abstract concepts and enhance textual coherence (5). The presence of nominalization in literary discourse may be attributed to the need for stylistic sophistication and rhetorical emphasis, aligning with previous research on the role of grammatical metaphor in academic and argumentative writing (3). Additionally, transitivity shifts, while less frequent, contribute to shifts in perspective and thematic structuring, reinforcing the interpretative depth of literary texts.

These results have significant theoretical and practical implications. From a theoretical perspective, they challenge the traditional view that grammatical metaphor is predominantly a feature of scientific writing. Instead, they support the notion that linguistic resources such as nominalization and transitivity shifts are employed flexibly across discourse types to achieve various communicative goals (Halliday, 2004). The findings also contribute to the broader field of functional linguistics by demonstrating that grammatical metaphor is an essential tool for meaning construction in diverse textual environments. Practically, this research has implications for language pedagogy, particularly in the teaching of academic writing and literary analysis.

Understanding how grammatical metaphor functions in different genres can aid educators in developing instructional materials that emphasize the role of linguistic choices in shaping meaning. For scholars engaged in discourse analysis, these findings suggest that grammatical metaphor should be considered a cross-genre phenomenon rather than a strictly scientific or technical feature.

The study also highlights areas for future research. While this investigation focuses on Azerbaijani Turkish, similar analyses could be conducted in other languages to determine whether the observed patterns hold across linguistic contexts. Additionally, further research could explore how grammatical metaphor evolves over time within specific genres, examining whether historical shifts in discourse practices influence the frequency and function of nominalization and transitivity shifts. Another potential avenue for inquiry is the intersection of grammatical metaphor with cognitive linguistics, particularly in terms of how readers process and interpret metaphorically structured discourse. Given the role of grammatical metaphor in shaping textual clarity and abstraction, its impact on reader comprehension and engagement warrants further investigation. Moreover, qualitative studies focusing on the reception of grammatical metaphor in different cultural and linguistic communities could provide insights into how these structures are perceived and utilized in diverse communicative settings.

In conclusion, this study underscores the pervasiveness of grammatical metaphor in both scientific and literary texts in Azerbaijani Turkish, challenging the assumption that such linguistic strategies are exclusive to academic writing. While scientific texts exhibit a higher frequency of grammatical metaphor, literary discourse also employs these structures to a meaningful extent, suggesting a shared functional role across genres. The findings contribute to the ongoing discussion within functional linguistics regarding the distribution and significance of grammatical metaphor in discourse. Moreover, they offer practical insights for language education, emphasizing the importance of teaching grammatical metaphor as a key component of linguistic competence. By bridging the gap between theoretical linguistics and practical applications, this study highlights the relevance of grammatical metaphor in understanding and analyzing diverse textual forms. Future research should continue to explore the role of grammatical metaphor in different languages, genres, and historical contexts to build a more comprehensive understanding of its function in human communication.

## References

1. Abrams MH. A glossary of literary terms: Heinle & Heinle; 2005.
2. Halliday MAK. The language of science: Continuum; 2004.

3. Halliday MAK, Martin J. Writing science: Literacy and discursive power: University of Pittsburgh Press; 1993.
4. Halliday MAK, Mathiessen C. An Introduction to Functional Grammar: Arnold; 2004.
5. Rezapour E. Critical Analysis of Metaphors in the Political Discourse of Domestic Newspapers. Journal of Linguistics Research. 2015;7(1):49-64.
6. Hokm Abadi AS. Grammatical Metaphors in Children's and Adolescents' Storybooks and Poetry (A Case Study of Age Groups A and D): Semnan University; 2016.